

# سپر ساست

شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۳  
انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

## وعدده صادق הבטחה כנה

انتقام  
فکر منور  
مهر و مهربانی



انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

## سپهر سیاست

نشریه انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

شماره ۱۷

مدیر مسئول: مهدی جمالی

سر دبیر: مردان حاجیلی دوجی

هیئت تحریریه: محدثه ذاکری نژاد، حسین طحان ، محمد  
مهدی وثوقی ، ابوالفضل بازاری

گرافیکست و صفحه آرا: علی احمدی

استاد مشاور نشریه: دکتر احمد بخشی

## فهرست

نمایش قدرت بازدارندگی و توان دفاع مشروع جمهوری اسلامی	۴
داعش شعله زیر خاکستر یا مهره بازی قدرت‌ها	۶
بررسی انتخابات آمریکا	۹
نفوذ ایران در منطقه و اثرات آن	۱۱
از جنایت‌های صهیونیست و آمریکا تا سکوت جوامع بین‌المللی	۱۴
افغانستان در منظومه سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران	۱۷



# صبح انتقام

M O R N I N G O F R E V E N G E

## نمایش قدرت بازدارندگی و توان دفاع مشروع جمهوری اسلامی

داشت که از مهم ترین آنها می‌توان به افزایش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، بالا رفتن جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین المللی و شادمانی کشور های محور مقاومت و امت اسلامی اشاره کرد. در پی این حمله نتانیاهاو - نخست وزیر رژیم صهیونیستی - تهدیدات خود را مبنی بر هدف قراردادن چندین پایگاه هسته ای جمهوری اسلامی ایران، آغاز کرد. این تهدیدات به گونه ای عملی شد و باید آن را یک زنگ خطر و هشدار در نظر گرفت؛ بدین ترتیب که حتی در نیمه شب ۳۰

دفاع مشروع در پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی به اماکن دیپلماتیک کشورمان در دمشق بوده است. همچنین او خاطر نشان کرد که اگر صهیونیست ها مرتکب اشتباه دیگری شوند، با پاسخ شدیدتر جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهند شد. در طی این حمله، بسیاری از پایگاه ها و زیرساخت های نظامی رژیم صهیونیستی آسیب جدی دیدند و گستردگی و شدت حمله به نحوی بود که گنبد آهنین، توانایی رهگیری و انهدام موشک های ایرانی را نداشت. این حمله چندین پیامد را به دنبال

در بامداد روز یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳، جمهوری اسلامی ایران- به همراه گروه های محور مقاومت از جمله انصارالله یمن و حزب الله لبنان به نقل از برخی خبرگزاری ها- حمله گسترده پهبادی و موشکی به رژیم صهیونیست داشتند. این حمله چشم جهانیان را به خود خیره کرد و بر طبق اعلام رسانه ها، بزرگترین حمله موشکی تاریخ ایران بوده است. طبق گفته نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، اقدام نظامی ایران بر اساس بند ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، در خصوص



فروردین ۱۴۰۳ در آسمان اصفهان چند ریز پرنده ناشناس توسط پدافند هوایی شناسایی و شکار شد. آنچه که به نظر می رسد این است که این تنش ها می تواند ادامه دار باشد اما از آنجایی که هیچ کدام از دو طرف مایل به جنگ گسترده نیستند؛ باید دید که تا کجا این تنش ها ادامه یافته و تأثیرات آن بر جامعه بین المللی و به خصوص منطقه خاورمیانه چگونه خواهد بود.



## داعش شعله زیر خاکستر یا مهره بازی قدرت‌ها

به عراق نیز حمله کرد موفق شد دو شهر رمادی و فلوجه دو شهر استان انبار عراق را به تصرف خود دربیآورد، داعش همچنین شهر رقه سوریه را به عنوان پایتخت خود معرفی کرد. و به ادامه روند تصرفات خود ادامه داد تا اینکه توانست موفقیت بزرگی کسب کند و شهر موصل دومین شهر بزرگ عراق را به تصرف خود دربیآورد تصرفات داعش تا فروردین ۱۳۹۴ ادامه داشت آنها توانسته بودند حدود نیمی از خاک سوریه و بخش‌های شمالی غربی عراق اشغال کنند، ولی با ورود ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی حشد الشعبی که برای جنگ داعش تشکیل شده بودند، داعش رو به زوال رفت و مناطقی یکی پس از دیگری را از دست داد، در سال ۲۰۱۷ با آزاد سازی موصل عراق پیروزی بر داعش را اعلام کرد داعشی که ادعای خلافت می کرد و اقدام به چاپ اسکناس با واحد دینار داعشی، گذرنامه، راه اندازی شبکه تلویزیونی و صدور نفت می کرد حالا دیگر اثری از آن نیست. ایدئولوژی داعش چگونه بود چرا شیعیان را کافر و کشتن آنها را جایز می دانست، ابوبکر بغدادی رهبر داعش همانند زرقاوی خود را پیرو ابن تیمیه پدر معنوی همه گروه های جهاد می دانست آنها با مرجعیت عقلی به کل مخالف بودند مگر اینکه برای تأیید نقل باشد، داعش هرگونه تعامل رفت

و شام به رهبری ابوبکر بغدادی یکی از تندروترین گروه های اسلام گرا در خاورمیانه بود که در سال ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرد، داعش علاوه بر عراق و سوریه بخش هایی از لیبی و نیجریه را هم به تصرف خود درآورده بود، ریشه تشکیل داعش به جماعت توحید و جهاد برمی گردد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الزرقاوی تاسیس شد و از آن پس به القاعده عراق معروف شد این گروه با نیروهای آمریکایی مستقر در عراق و دولت عراق وارد جنگ شده بودند، در سال ۲۰۰۶ با ائتلاف چند گروه اسلام گرای دیگر مجلس شورای مجاهدین در استان انبار عراق که وسیع ترین استان عراق است، تشکیل شد.

ولی با بروز اختلافات در همان سال مجلس مجاهدین حکومت اسلامی عراق را تشکیل دادند که از رهبران این حکومت می توان به ابویوب مصری و ابوعمر بغدادی اشاره کرد، این دو رهبر در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و بعد از آن ها ابوبکر بغدادی رهبر این حکومت را به دست گرفت ابوبکر بغدادی بعد از شروع شدن جنگ داخلی سوریه نام حکومت را به حکومت اسلامی عراق و شام تغییر داد و با نام مخفف داعش معروف شدند داعش به سرعت بخش هایی از شمال شرق سوریه را تصرف کرد و همزمان

با شنیدن کلمه داعش شما هم احتمالاً به این فکر فرو رفتید که مگر داعش نابود نشد! پس چرا با اینکه پایان داعش اعلام شده ولی باز هم اسم آن در تیترا خبرها حملات تروریستی همچنان هم وجود دارد و تمامی عملیات های تروریستی در کشورها را داعش برعهده می گیرد، آیا واقعا داعشی وجود دارد که اینگونه فعالیت می کند؟ یا پشت پرده کشورهایی وجود دارند که از اسم گروه داعش برای منافع خودشان استفاده می کنند.

چرا اکثر حملات تروریستی در کشورهای مخالف غرب اتفاق می افتد و از عملیات های تروریستی در اروپا خبری نیست! بر اساس ریشه تشکیل داعش، می شود گفت که داعش با شیعه مشکل دارد حملات و دشمنی آن با ایران و کشورهای مسلمان مشخص است ولی باز هم در این میان هستند کشور های مسلمانی که جزو دشمنان داعش محسوب نمی شوند.

### ولی چرا روسیه مورد حمله تروریستی داعش قرار گرفته است؟

در ادامه با ذکر تاریخچه ای از تشکیل داعش به بررسی این سوالات می پردازیم، داعش یا همان حکومت اسلامی عراق

سردار حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در پیامی اتمام عملیات آزادسازی بوکمال که آخرین نقطه حضور داعش بود را به عنوان پایان داعش اعلام کرد همزمان منابع روسی و سوری نیز پایان این گروه تروریستی در سوریه را اعلام کرد ولی چرا بعد از اعلام پایان داعش ما همچنان شاهد عملیاتهای تروریستی داعش در کشورهای مخالف غرب هستیم تقریباً بعد از اعلام پایان داعش تاکنون ما شاهد سه حمله تروریستی در ایران و یک حمله تروریستی در روسیه بودیم.

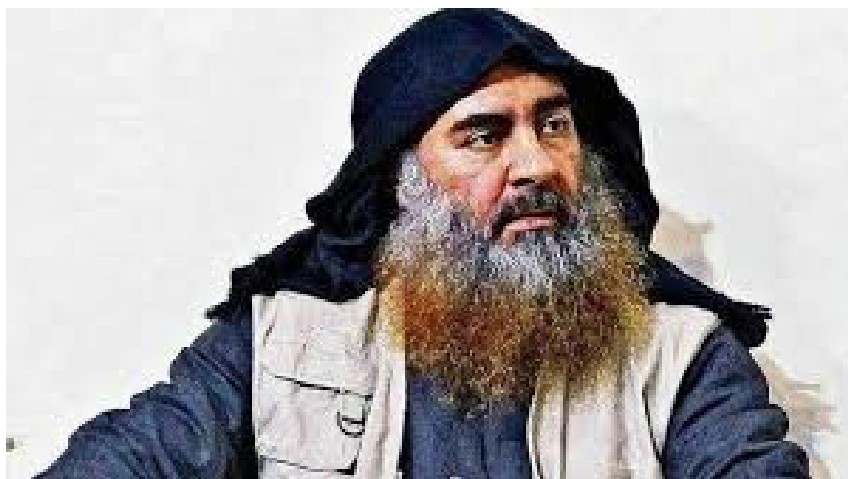


در 5 آبان 1401 با ورود فردی مسلح به حرم شاه چراغ در شیراز و شلیک حدود شصت گلوله 17 نفر شهید 47 نفر مصدوم شدند بعد از این عملیات داعش رسماً مسئولیت این حمله را به عهده گرفت و در مرحله دوم حمله داعش 22 مرداد 1402 و باز هم در حرم شاه چراغ 2 نفر شهید 7 نفر مصدوم شدند با گذشت شش ماه از حمله تروریستی در شاه چراغ و شهید شدن مردان، زنان و کودکان بی‌گناه باز هم ایران هدف حمله تروریستی قرار گرفت ولی این بار باعث بروز شک و تردید بسیاری شد که چه کسی یا کسانی مسئول این حمله هستند در 13 دیماه 1402 همزمان با چهارمین سالگرد شهید شدن حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس ج ۱۱ دو انفجار در مسیر گلزار شهدای کرمان رخ داد که باعث شهید شدن 84 نفر و مصدوم شدن 284 نفر شد داعش با تاخیر مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. ترور حاج قاسم سلیمانی که به دست آمریکا و رژیم

از مرز این کشور به شمال سوریه تشکیل داد و از داعش نفت به بهای اندک می‌خرد و خدمات پزشکی ارائه می‌کند، اسرائیل که از همه گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق به‌ویژه داعش حمایت مالی، تسلیحاتی و پزشکی می‌کند، فرانسه و انگلیس اقدام به اعزام منظم تروریست‌ها به سوی سوریه می‌کردند شاید هدف آنها خلاص شدن از دست تکفیری‌های تندرو و تقویت امنیت خود آنها بود. به نقل از نویسنده کتاب (جنگ کثیف ضد سوریه) مسئولان عراقی از تخلیه هوایی محموله‌های سلاح آمریکایی برای داعش می‌گویند، ولی با همه این حمایت‌ها می‌توانیم به منابع مالی که داعش از آنها کسب درآمد می‌کند، اشاره کنیم، تسلط بر ذخایر نفت و گاز، مالیات، گروگان‌گیری برای دریافت پول، دریافت جزیه از مسیحیان ساکنان مناطق اشغالی توسط داعش، فروش دختران و زنان به عنوان برده جنسی در بازارها و همینطور فروش عتیقه‌جات.

و آمد با کفار و مشرکان را حرام می‌دانست و به شدت با تفکرات شیعیان مخالف بود و آنها را کافر و دشمنی و جنگ با آنها را جایز و حلال می‌دانست، داعش حتی در شهرهای تحت تصرف خود نیز قوانین سختی اعمال کرده بود او دستان دزدان را در ملا عام قطع می‌کرد، همه روزه اعدام گروهی داشت، زنان اجازه خروج از خانه نداشتند حتی برای مداوا، با روزه خواری برخورد می‌کرد و آنها را شلاق می‌زدند همینطور در راستای حجاب زنان باید تمام صورت خود را می‌پوشانند و اگر به موردی در این راستا برمی‌خورند فرد را مجازات می‌کردند داعش در ادامه روندکار خود دفاتری تحت عنوان (حبسه) نظارت بر شریعت اسلام و (دعوا) تبلیغ و تبیین ایدئولوژی داعش راندازی کردند.

داعش، چطور قدرت گرفت؟ چطور نیرو گرفت؟ تسهیلات از کجا آورد، کدام کشورها پشت پرده، دست به حمایت از این گروه اسلام‌گرای تندرو گرفتند، به نقل از نویسنده کتاب (جنگ کثیف ضد سوریه) تیم اندرسون هفت کشور را که نقش اساسی در حمایت از داعش داشتند را نام می‌برد، این هفت کشور شامل عربستان، ترکیه، فرانسه، انگلیس، آمریکا، قطر و رژیم صهیونیستی می‌باشد حالا چرا این کشورها از داعش حمایت می‌کردند چه نفعی در حمایت از داعش می‌بردند، عربستان که برای جلوگیری از ایجاد رابطه محکم میان عراق و ایران دست به ایجاد القاعده در عراق زد و از این گروه حمایت مالی و تسهیلات کرد، همینطور ترکیه با همکاری عربستان گذرگاهی امنی برای عبور تروریست‌ها.





صهیونیستی بود حضور بالاو پر شور مردم در مراسم چهارمین سالگرد آن شهید باعث سرافکندگی آمریکا و رژیم صهیونیستی در برابر دنیا و افزایش نفوذ قدرت ایران در منطقه و در برابر تضعیف نفوذ آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه شد. از این حملات میشود اینگونه برداشت کرد که این حملات طراح اصلی آن داعش نیست بلکه داعش مهره بازی قدرت ها برای تضعیف امنیت ایران و جلوگیری از افزایش قدرت آن در منطقه است، ولی چرا روسیه هدف حمله داعش قرار گرفت؟ روسیه کشوری قدرتمند در عرصه بین المللی چرا باید مورد حمله گروه داعش قرار بگیرد، داعش چه زخمی از روسیه برداشته که به دنبال تلافی آن هستند. درحمله تروریستی روز جمعه 22 مارس ۲۰۲۴ به یک سالن کنسرت در مسکو ده ها نفر کشته و زخمی شدند که باعث شد روسیه 23 مارس را اعزای عمومی اعلام کند برخی بر این باورند که دلایلی که باعث شد روسیه مورد خشم داعش قرار بگیرد و هدف آن حمله به روسیه باشد این است که داعش روسیه را شریک فعالیت هایی می داند که باعث سرکوب مسلمانان شده، به نقل از کالین کلارک تحلیل گر امور مرتبط با تروریسم، داعش دو سال است روی روسیه تمرکز کرده و در تبلیغات خود بارها از پوتین انتقاد کرده و اشاره کرده که مداخله روسیه در افغانستان و سوریه باعث شده که دست روسیه به خون مسلمانان آغشته شود. با این دلایل روسیه را مورد حمله داعش قرار گرفت با این وجود ما شاهد پیش آمدن تنش هایی بین آمریکا و روسیه هستیم از طرفی اصرار مقامات آمریکایی در عدم دخالت اوکراین در این حمله تروریستی و از طرف دیگر پوتین اعلام میکند که

که داعش مسئول حمله بوده امکان پذیر است زیرا ردپاهایی از آمریکا نمایان است که می خواهد با مقصر جلوه دادن داعش نقش خود را در این حمله کم رنگ و از بین ببرد، داعش در حال حاضر به گروهی که قدرت ها عملیات های خود را با نام آن انجام می دهند و برای اینکه رابط آنها تیره تار و منجر به اقدام نظامی نشود، داعش را به عنوان مسئول این حمله اعلام می کنند داعشی که مورد حمایت همین کشورها بوده و دست نشانه خود آمریکاست حالا به رقیب دیرینه آمریکا روسیه حمله کرده، داعش نمی تواند به تنهایی اقدام به این حملات کند قطعاً مورد حمایت کشور هایی بوده از عملیات های تروریستی که در ایران با حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد تا حمله روسیه. لذا خلاصه می شود گفت که داعش گروهی که شکست خورده و عقاید مذهبی دارد و اکثر حملات این گروه انتحاری است و به عقیده خود آنها بعد انجام عملیات به سوی بهشت می روند، نمی تواند به تنهایی آنها هم به کشور قدرتمندی مثل روسیه و ایران حمله کرده باشد، داعش تنها اسمی است که اقدامات خود را گردن آن بیندازند، از پشتیبانی آمریکا در عدم دخالت اوکراین در این حمله و داعش را تنها مسئول این حمله قرار دادند، اینگونه برداشت می شود که داعش مهره ای است که غربی ها برای عملیات های خود استفاده می کنند.

تروریست ها قصد فرار به اوکراین را داشتند و اوکراین تبدیل شده است به گذرگاه امنی برای عبور تروریست ها، هر کدام دیگری را مقصر جلوه می دهد، مقامات آمریکایی می گویند تنها مسئول این حمله، داعش است و بین این همه تنش مقصر اعلام میکنند ولی آیا واقعا داعش مسئول این حمله است؟ چطور از اینکه اوکراین به این حمله دست ندارد مقام آمریکایی اطمینان دارند و آیا پشت پرده اطلاعاتی دارند، مقامات آمریکایی که قبل از حمله گفتند که ما احتمالاتی از حمله داعش به روسیه و اماکن شلوغ می دادیم و مقامات روسیه را با خبر کردیم ولی این سوال پیش می آید که شما این اطلاعات را از کجا به دست آوردید. داعش بر این عقیده است که بعد از انجام ماموریت به بهشت می روند و اکثر حملات آنها انتحاری است، پس چرا بعد از انجام عملیات خودشان قصد فرار به اوکراین را داشتند، تکذیب این مورد



به قلم مهدی جمالی





## انتخابات آمریکا

خواهد داشت (در حال حاضر ۲ درصد است) و این افزایش تعرفه باعث میشود که دوباره جنگ تجاری میان آمریکا و چین و دیگر صادر کنندگان تشدید شود.

### بحران در جهان

با توجه به سیاست هجومی آمریکا در دوره ترامپ که به بی ثباتی جهان منجر شد در صورتی که دوباره ترامپ به ریاست جمهوری برسد، جنگ روسیه علیه اوکراین اکنون در سومین سال خود قرار دارد و با توجه به صحبت های ترامپ با روی کار آمدن وی احتمال پایان جنگ است. درگیری اسرائیل و حماس همچنان می تواند به یک جنگ منطقه ای تبدیل شود و با توجه به حملات اخیر اسرائیل به سفارت و کنسولگری ایران در سوریه به این جنگ منطقه ای نزدیک تر میشویم. و همچنین رقابت بین ایالات متحده و چین ممکن است در این دهه بر سر تایوان داغ تر شود. اما مسیله ای که قابل اهمیت است این است که هم اکنون اروپا با وارد کردن انرژی های هیدروکربن از آمریکا و خاورمیانه با واردات از روسیه جایگزین کرده است و همچنین جنگ در اوکراین به بن بست رسیده است و جنگ

قانون تاریخی «کاهش تورم» بایدن، انتقاد کرده و آن را به دلیل ۳۶۹ میلیارد دلار معافیت های مالیاتی و یارانه ها برای انرژی پاک، «بزرگترین افزایش مالیات در تاریخ» توصیف کرده است. او بارها از سیاست های اقلیمی بایدن انتقاد کرده و آنها را عامل افزایش قیمت سوخت و به خطر افتادن «استقلال انرژی» آمریکا، خوانده است. با این حال، در حالی که دموکرات ها ممکن است خواهان تقویت شبکه برای تامین انرژی های تجدیدپذیر بیشتر باشند، جمهوری خواهان احتمالاً موافق زیرساخت های جدید برای تولید نیروی زغال سوز و گازسوز خواهند بود. همچنین انتقادات ترامپ نسبت به خودروهایی برقی در حالی که سرمایه گذاری در این بخش باعث ایجاد بیش از ۱۰۰ هزار شغل برای آمریکایی ها شده است که این نقد ترامپ امکان دارد به نوعی سرمایه گذاری در این بخش را با عقب نشینی مواجه کند. بایدن در دور دوم دوره ریاست جمهوری، سیاست های طرفدار انرژی پاک خود را احتمالاً مضاعف کند و همچنین سیاست های اقلیمی را به شدت بیشتری دنبال کند. علاوه بر این با توجه به صحبت های ترامپ ما شاهد این هستیم که تعرفه های واردات افزایش ۱۰ درصدی

انتخابات در آمریکا همیشه در بعد سیاست داخلی آمریکا و خارجی آن تاثیر گذار است به دلیل رویکرد متفاوت جمهوری خواهان و دموکرات ها، اما مسئله ای که امروزه در آمریکا مطرح است این است که بایدن و یا ترامپ کدام موفق خواهد شد بر کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا بنشینند و این انتخابات چه تاثیری بر حوزه اقتصادی و بحران های موجود در جهان میگذارد. سعی بر این است تا با بررسی شواهد موجود و عملکرد هر یک از این دو کاندیدای ریاست جمهوری به تحلیل راجع به احتمالات پیش رو در مسئله اقتصاد جهانی، بازار انرژی و بحران ها تشدید کننده جنگ بپردازیم.

### رویکرد ترامپ و بایدن در مسئله حامل های انرژی

ترامپ و جمهوری خواهان همواره، طرفدار سوخت های فسیلی بوده اند و او احتمالاً به دنبال تقویت بخش داخلی نفت و گاز، گسترش دسترسی به زمین های فدرال و کاهش مالیات ها خواهد بود. در همین راستا، ترامپ هرگز مخالفت خود را نسبت به انرژی پاک پنهان نکرده است. او از



به صورت فرسایشی ادامه دارد و اروپا با این جایگزینی فعلا نوعی ثبات در بازار خود ایجاد کرده است اما هم زمان با این بحران ما شاهد درگیری های میان اسرائیل و حماس بوده ایم که این درگیری ها باعث شد پای گروه های نیابتی به پشتیبانی از حماس باز شود که این باعث شد تجارت جهانی با اختلالاتی همراه شود که میتوان به ناامن کردن تنگه باب المندب توسط حوثی های یمن اشاره کرد که هزینه حمل نقل تجارت جهانی را افزایش داده است اما این تمام ماجرا در بحران به وجود آمده در میانگان (خاورمیانه) نیست با توجه به حملات اخیر اسرائیل به مواضع ایران (سفارت و کنسولگری در دمشق) در سوریه که ناقض حقوق بین الملل بوده ایران نیز به این حملات پاسخ هم سطح داد که این پاسخ (حملات گسترده موشکی و پهپادی) سبب شد تا معادلات جدیدی در میانگان (خاورمیانه) شکل بگیرد و باعث شد اسرائیل و متحدانش از مواضع خود عقب نشینی کنند، هرچند اسرائیل سعی کرد تا با صدمه وارد کردن به سایت های نظامی در اصفهان به حملات ایران پاسخ بدهد که ناموفق بود در صورتی که تنش های موجود تشدید شود در میانگان، ما شاهد کاهش تولید حامل های انرژی در حوزه خلیج فارس و افزایش قیمت جهانی حامل های انرژی خواهیم بود و شوک زیادی به بازار جهانی وارد خواهد کرد که نسبت به جنگ یوم کیپور ۳۷۹۱ با شدت بیشتری خواهد بود، با توجه به این مسئله قدرت های بزرگ نیز به دنبال کاهش تنش ها در میانگان (خاورمیانه) هستند تا منافع آنها صدمه نبینند، اما مسئله بعدی راجع به بحران میان چین و تایوان تحت حمایت آمریکا است با توجه به این صحبت و اینکه ضعف ها و شکنندگی های اقتصادی چین ممکن است باعث شود این کشور تمایل کمتری به درگیری با تایوان و آمریکا در حال حاضر داشته باشد. اما رویکرد بایدن

و ترامپ در خصوصی این سه بحران یاد شده متفاوت است و در بعضی موارد تفاوت چندانی ندارد. بایدن در مسئله اوکراین به دنبال این است تا با فرسایشی کردن جنگ بر علیه روسیه این امکان را به اوکراین بدهد تا شاید راه فراری از بن بست جنگ در کشور خود پیدا کند که باتوجه به پیروزی های اخیر روسیه در اوکراین و همچنین باز شدن چند جبهه به روی اسرائیل این تمرکز از روی اوکراین برداشته شده است اما با توجه به صحبت های ترامپ و اینکه ترامپ تا حدودی مخالف با ناتو میباشد به دنبال این خواهد بود که بار هزینه های جنگ اوکراین را بر دوش دیگر اعضا بیندازد و همچنین هزینه های تدافعی کشورهای عضو را افزایش دهد که این به خودی خود باعث میشود اوکراین که بدون حمایت آمریکا متحدانش یک هفته هم در مقابل روسیه دوام نمی آورد مجبور به پذیرش شروط طرف روسی یا محتمل شکست در جنگ شود. اما رویکرد بایدن و ترامپ هر دو به صورت حمایتی از اسرائیل بوده است فقط با این تفاوت که دولت ترامپ و عملکرد وی با شدت و تنش زایی بیشتری نسبت به بایدن است ما در دوره ترامپ شاهد شدید ترین تنش ها در میانگان (خاورمیانه) بودیم که حتی میانگان را تا لبه جنگ فراگیر کشاند با ترور سردار سلیمانی و اما رویکرد بایدن منفعلانه تر بوده نسبت به ترامپ که اگر ترامپ در چنین شرایط بحرانی که در میانگان هست روی کار بیاید ما شاهد بی

سابقه ترین تنش ها در میانگان (خاورمیانه) خواهیم بود. بایدن (دموکرات ها) و ترامپ (جمهوری خواهان) به طور یکسان در مورد چین جنگ طلب هستند و همینطور خواهند ماند و مواضع خود را تغییر نخواهند داد و شاید با توجه به رویکرد تهاجمی تر دولت ترامپ نسبت به چین یکی از علل اینکه ترامپ میخواهد بحران در اوکراین به پایان برسد تمرکز بیشتر بر روی چین است. و اما در عرصه بین المللی، یک دوره دیگر ریاست جمهوری ترامپ احتمالاً به تشدید تنش میان واشنگتن با کشورهایی مثل چین یا ونزوئلا و حتی متحدان غربی آمریکا به دلیل مخالفت او با ناتو و حمایت از رهبرانی مانند پوتین، رئیس جمهور روسیه، منجر خواهد شد. با سیاست تهاجمی «سیاست اول آمریکا»، ایالات متحده ممکن است شاهد دور جدیدی از جنگ های تجاری بی پایان با چین و مکزیک باشد. انتخابات آتی در کشورهای نفت و گاز خیز شامل مکزیک، انگلیس، ونزوئلا و نامیبیا هم ممکن است تحت تاثیر قرار بگیرند همچنین تنش با ایران و محور مقاومت وارد دور جدید خواهد شد. در اخر اینکه دستور کار سیاست اقتصادی پیشنهادی ترامپ، اکنون بزرگترین تهدید برای اقتصادها و بازارهای سراسر جهان است. که این سیاست منجر به رونق بازار داخلی آمریکا و حمایت از صنایع داخلی و سرمایه گذاری در داخل آمریکا میشود بر خلاف سیاست اقتصاد جهانی که دموکرات ها دنبال میکنند.

به قلم محمد مهدی وثوقی





## نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران و اثرات آن روی سیاست بین الملل

### مقدمه

قدرت های منطقه ای در واقع قدرتمندترین دولتها در سطح مناطق یا سیستمهای بین المللی هستند و تعداد قدرتهای منطقه ای در هر منطقه بستگی به وضع توزیع قدرت در آن منطقه دارد (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۵۴). پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ این احساس را در بین بسیاری از ایرانیان به وجود آورد که به منظور جبران ناکامیهای تاریخی باید آرمانهای گذشته با احساس و شدت بیشتری بیان شود. از این رو به نظر میرسد اگرچه انقلاب ایران بر پایه تشیع بنیان نهاده شده است اما شواهد بیانگر این نکته است که جمهوری اسلامی بدون آنکه فقط مساله تشیع را در نظر داشته باشد به بسیاری از حرکت های انقلابی جهان کمک کرده و یا دست کم خود را با آن همراه می پندارد. در واقع رهبران ایران از ابتدا تقریباً با تمامی جنبشهای خواهان تغییر وضع موجود اشتراک نظر داشته و احساس یگانگی می کردند (شریعتی و وکیلی، ۱۳۹۶: ۴۸).

چهار چوب نظری:

### مفهوم قدرت منطقه ای

قدرت منطقه ای موضوعی است که با ترکیب مفاهیمی چون قدرت، جغرافیا و منطقه حوزه پژوهشی خاصی را ترسیم میکند که گویای نوع خاصی از تقسیم بندی دولت هاست که در آن قدرت ملی به مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار میگیرد.

ماهیت قدرت های منطقه ای بر اساس جایگاه ها در نظام بین الملل مشخص می شوند که این مساله خود تحت تاثیر مفهوم قطبیت و توزیع قدرت در نظام بین الملل است.

بر اساس قطبیت و توزیع قدرت جایگاه کشورها مشخص شده و هر کشوری بر اساس میزان توانمندی خود با مفاهیمی چون ابر قدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه ای و قدرت کوچک شناخته می شود. سائول برنارد کوهن، قدرت منطقه ای را در دوم سلسله مراتب قدرت در نظام بین الملل قرار می دهد و معتقد است قدرت های منطقه ای اولاً: تلاش میکنند خود را به عنوان

هسته و مرکز منطقه مطرح کنند.

ثانیاً: نفوذ نظامی در منطقه را دنبال می کنند .

ثالثاً: خواسته های برتری جویانه ای در کل منطقه دارند.

### مفهوم ژئوپلیتیکی قدرت ملی

از آن جا که یکی از مهمترین ویژگی قدرت های منطقه ای برخورداری از توانمندیهای نسبی برای ایجاد اقتدار منطقه ای است، شناخت قدرت ملی به عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی ضرورت می یابد ژئوپلیتیک به عنوان یکی از رویکردهای تحلیل سیاست خارجی به بررسی ارتباط انسان با طبیعت، ارتباط قدرت ملی و جغرافیا می پردازد در کانون رویکرد ژئوپلیتیک قدرت ملی قرار دارد که به معنای توانایی ظرفیت و قابلیت یک ملت برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود در جهت منافع ملی تعریف شده است (حافظ، نیا ۱۳۸۱: ۲۴۵). کار کرد قدرت ملی در این است که کشوری از قدرت ملی بالاتری برخوردار باشد برای تحقق منافع و اهداف

انقلاب اثبات می‌کند (سجادپور ۱۳۸۹: ۵۵).  
**نمونه های قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه:**

از هم جدا شوند، حتی بیمارستان هایشان مریض های قطری را پذیرش نمی کردند، حتی مدارس و دانشگاه هایشان قطری ها را اخراج کردند، حتی به قطری ها اجازه نمی دادند برای انجام حج واجب به مکه بروند.

در واقع می توان گفت سیاست ایران در برخورد برادرانه و بدون کینه با سعه صدر یکی از دلایلی است که ایران موفق شده در منطقه محبوبیت کسب کند ولی دیگران نتوانسته اند چنین کاری را انجام دهند.

براساس مطالعه ای که موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک مستقر در لندن انجام داده ایران در مقابل رقیبش، عربستان سعودی در تلاش های استراتژیک برای نفوذ در خاورمیانه به پیروزی رسیده است. این واقعیت که ایران به طور مخفیانه شبکه ای از متحدان غیردولتی در سراسر خاورمیانه ایجاد کرده است که اغلب به عنوان «گروه های شبه نظامی نیابتی» خوانده می شوند، چیز جدیدی نیست. با حزب الله در لبنان شروع شد، جمهوری اسلامی از زمان بازگشت آیت الله روح الله خمینی به

اخبار رسمی بین الملل: چند سال پیش بود که قطر تحت محاصره شدید عربستان سعودی، امارات عربی متحده، بحرین و مصر قرار گرفت و خوب چند سالی هم بود که به دلیل مسائل مرتبط با سوریه و حمایت قطر از دشمنان ایران روابط بسیار بدی با ایران داشت و توقع این بود که ایرانی ها هم مرزهای آبی و هوایی خود را بر قطر ببندند اما ایرانی ها نه فقط این کار را نکردند بلکه علیرغم اینکه در تحریم شدید قرار داشتند هر آنچه قطر نیاز داشت از آنچه داشتند تامین کردند.

این در حالی است که کشورهای عرب همسایه قطر که سالها ادعای برادری با قطر را داشتند فجیع ترین رفتارها را نسبت به مردم قطر از خود نشان دادند، زن و شوهرهای قطری و غیر قطری را وادار کردند

ملی خود اولاً موانع کمتری در پیش دارد و ثانیاً، تامین حفاظت و بسط منافع ملی گسترش می یابد (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۲).  
 برای سنجش قدرت ملی کشورها مدل های متفاوتی ارائه شده است.

حافظ نیا و دیگران مدل ۹ متغیری را ارائه کرده اند که بر اساس آن قدرت ملی شامل فاکتور های اقتصادی، سیاسی-حکومتی، فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی، نظامی، علمی-فناوری، فرامرزی و فضایی می شود.

### نظریه ام القرا:

نظریه ام القرا به عنوان یکی از مبانی مهم نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی، در سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴ مبنی بر ورود به عصر جدید تمدن سازی که در سطح جهان اسلام الهام بخش در سطح منطقه پیشرو و در گستره بین المللی اثر بخش باید باشد از جمله شواهدی است که اندیشه قدرت منطقه ای و حتی فرمانطقه ای بودن را در اذهان رهبران ایران از بدو





تاثیرگذاری بر همگرایی منطقه ای و جهان اسلام، و رعایت اصول عزت و مصلحت در حوزه سیاست خارجی می توانند قدرت نرم ایران را از طریق افزایش میزان مشروعیت نظام سیاسی در عرصه بین الملل، حفظ پرستیژ بین المللی، مدیریت و جهت دهی به افکار عمومی ارتقا بخشند و جامعه ایرانی را در مسیر تحقق تحقق آرمان ها و اصول مندرج در چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران کمک نماید.

در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، نیازمند توانایی در قدرت نرم است.

**«مولفه های مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سند چشم انداز بیست ساله، ارتباط وثیق و عمیقی با افزایش قدرت نرم جامعه ایرانی در افق ترسیم شده دارند و مولفه های الهام بخشی و حضور فعال و موثر در جهان اسلام، تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل،**

تهران در سال ۱۹۷۹ همواره تلاش کرده تا ایدئولوژی انقلابی و نفوذ خود را به فراسوی مرزها صادر کند.

#### نتیجه

جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف ترسیم شده در اسناد فرادستی خود، نیازمند توانمندی در حوزه سیاست خارجی می باشد. در این مسیر، رسیدن ایران به جایگاه برتر منطقه ای و قدرت اول جهان اسلام به عنوان یکی از اهداف ترسیم شده



## از جنایات های صهیونیست و آمریکا تا سکوت جوامع بین المللی

محقق نکرد، بلکه در طی آن جنایت بسیاری رخ داد، چرا که بیشتر در جهت تأمین منافع آمریکایی ها بود. به همین دلیل می توان مهمترین علت ارتکاب این جنایات را کسب منفعت و حفظ قدرت دانست. آنچه که از این کارها باقی ماند جوامع بحران زده ای مانند افغانستان و لیبی است. علاوه بر این هنوز هم پایگاه های نظامی آمریکایی به خصوص در منطقه خاورمیانه به چشم می خورد که علت اصلی تأسیس این پایگاه ها، تلاش برای تسلط بر این منطقه برای کسب منفعت و حفظ قدرت است، زیرا این منطقه از وزن ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار است. آنها همچنین برای رسیدن به اهدافشان در این منطقه، گروهک های چریکی تروریستی با خوانش های رادیکال و افراطی از اسلام مانند داعش و القاعده را تشکیل دادند و از آنها حمایت کردند اما نه تنها به اهداف و منافعشان نرسیدند بلکه همین گروهک ها، با عملیات های تروریستی خود، بحران هایی را برای آمریکا و رژیم صهیونیست ایجاد کردند. آنچه که باعث جلوگیری از جنایات آمریکا و رژیم صهیونیست در این

فلسطین به اوج رساندند. ؛ جنایاتی که می توان گفت در طول تاریخ بدین شدت نبوده است و در طی آن بیش از ۳۰ هزار زن و کودک فلسطینی شهید شدند، اما همچنان سکوت جوامع بین المللی و حتی حمایت برخی کشورها از این رژیم موضوع را پیچیده تر می کند که در این مطلب به بررسی آن می پردازیم.

شاید بتوان نسل کشی میلیون ها سرخ پوست را از اولین جنایات آنها دانست و از بمباران شیمیایی هیروشیما و ناکازاکی در طی جنگ جهانی دوم، به عنوان آغازی برای جنگ ها و جنایات مدرن یاد کرد. کارلو ماسالا در کتاب بی نظمی جهانی اینگونه می گوید که پس از جنگ جهانی دوم و پایان دوران جنگ سرد، شعارها و آرمان هایی مانند امنیت جهانی، صلح، آزادی و... مطرح شد که تحقق آنها فقط با اجرای لیبرال دموکراسی ممکن است اما همه اینها توهمات غرب بود. این مدل از طریق دموکراسی سازی، نهادینه سازی، قانونمندی و مداخله نظامی در سایر جوامع اجرا شد و نه تنها آن آرمان ها را

در طول تاریخ بشریت آمریکا و رژیم صهیونیست بر کشورهای دیگر، به خصوص کشور های اسلامی ظلم ها و جنایات بسیاری کرده اند. آنچه که به نظر می رسد این است که این جنایات بیشتر بعد از جنگ جهانی دوم دیده شد که به صورت مداخله در امور دیگر کشورها، بهره کشی از منابع و معادن آنها، جنگ ها و بمباران های مختلف، نسل کشی و... بود. نکته قابل توجه دیگر این است که این جنایات تنها منحصر به زمان خاصی نبوده و تا امروز ادامه داشته است. از جنایات اخیر آمریکا می توان به جنایات آمریکا در افغانستان و همچنین جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی در فلسطین اشاره کرد. با وجود خروج آمریکا از افغانستان، تبعات و ویرانی های برجای مانده از جنایات و اشغالگری و آثار مخرب بمب های بعضاً ناشناخته و نا متعارف که آمریکا روی مردم افغانستان امتحان کرد، شاید تا نسل ها برای مردم این کشور ادامه داشته باشد. امروزه نیز شاهد آن هستیم که آمریکایی ها و رژیم صهیونیستی جنایات خود را در

منطقه شد، ائتلاف بین کشور های منطقه، به خصوص ائتلاف بین گروه های مقاومت بود.

**مسئله بعدی که باید به آن پرداخت این است که مجامع بین المللی چه واکنشی نسبت به این جنایات داشته اند؟**

نکته مهم و شاید تعجب برانگیز این است که مجامع بین المللی هیچگونه پاسخ جدی به این جنایت نداشتند. این نکته، حقیقت تلخی است که متأسفانه در طول این سال ها شاهد آن بودیم. اما در دوران جدید تا حدودی این سکوت شکسته شده اما باز هم راه به جایی نبرده است. سکوت جوامع بین المللی را می توان یک سیاست دو گانه نیز دانست، به عنوان مثال در حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران، کشورهای غربی واکنش هایی را نشان دادند؛ اما اگر این حمله به کنسولگری فرانسه انجام می شد، باز هم واکنش ها به همین شکل می بود؟ سیاست سکوت جوامع بین المللی و عدم واکنش جدی آنها به این جنایات ناشی از عوامل مختلفی

است که به چند مورد آن اشاره می کنیم :

۱- گستردگی کشورهای ذی نفع: کشورهای اروپایی و آمریکا به دلیل منافع خودشان، از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی تاکنون حامی این رژیم بودند. بسیاری از متخصصان به دلایل مختلفی معتقدند برای کشورهای اروپایی و آمریکایی ها، بودن رژیم صهیونیست در وضعیت فعلی هم سودآور و هم خطرآفرین است. منفعت این کشورها از این جهت است که آنها می توانند با استفاده از وضعیت جنگ و فروش تسلیحات مختلف به رژیم صهیونیستی کسب درآمد کرده و منفعت اقتصادی به دست آورند. از سوی دیگر وضعیت جنگ باعث شده تا تعداد مهاجرین اسرائیلی به این کشورها افزایش یابد و علاوه بر بحران مهاجرت، می تواند بهانه ای برای فراگیر شدن جنگ در این کشورها شود.

۲- تأمین بخش عمده هزینه های سازمان ملل: آمریکا که خود در رأس این جنایت قرار دارد، به عنوان قدرت اقتصادی حدود بیست درصد از کل هزینه های سازمان ملل

را تأمین می کند و به همین دلیل انتقاد به او و واکنش به این جنایات می تواند برای سازمان ملل، ایجاد بحران کند، زیرا آمریکا می تواند از طریق همین موضوع سوء استفاده کند و اهرم فشاری را بر روی سازمان ملل اعمال کند.

۳- سیاست بین الملل: فراتر از حقوق بین الملل سیاست بین الملل قرار دارد بدین معنا که بسیاری از قوانین و رژیم های بین المللی توسط قدرت های بزرگ تنظیم شده و درحال اجرا است و صرفاً در جهت تأمین اهداف و منافع آنهاست. به عنوان مثال پیمان منع گسترش سلاح هسته ای تحت عنوان ( ان. پی. تی ) یکی از اینهاست که در ظاهر هدف این رژیم، استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای است اما به نظر می رسد هدف تشکیل آن در واقع محدود و انحصاری کردن تولید و نگهداری سلاح هسته ای است که پیامدهای امنیتی و اقتصادی برای دارندگان آن دارد و نوعی بازدارندگی برای این کشورها به وجود می آورد. در همین زمینه، با وجود فعالیت ها و تهدیدات هسته ای رژیم صهیونیستی، شاهد اقدام جدی از





غزه کنند و این موضوع نشان داد که ائتلاف میان کشورها می تواند کارساز باشد. در حمله اخیر رژیم صهیونیست به کنسولگری ایران در دمشق ما شاهد آن بودیم که استفان دوجاریک - سخنگوی سازمان ملل - اعلام کرد که آنتونیو گوترش - دبیر کل سازمان ملل - حمله به اماکن دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در دمشق را محکوم می کند. این اقدام می تواند برای جلوگیری از فراگیر شدن جنگ باشد زیرا در ادبیات بین المللی، اماکن دیپلماتیک یک کشور در کشور های دیگر، به منزله خاک آن کشور است و حمله به آنها به مثابه حمله به خاک کشور است و نقض کنوانسیون های بین المللی نیز به شمار می رود؛ اما به نظر می رسد فشار های بین المللی و واکنش دیگر کشور ها به این حمله، در این اقدام سازمان ملل بی تأثیر نبوده است. حال باید دید آینده این تحولات چه خواهد شد؛ از طرفی فشار های بین المللی و از طرف دیگر قدرت های بزرگ دنیا که حامیان اصلی رژیم صهیونیست هستند.

به قلم حسین طحان

وستفالی که در سال ۱۶۴۸ میلادی بسته شد اصل برابری دولت ها را به ارمغان آورد، بدین معنا که هر کشور یک حق رأی دارد اما همانطور که در قبل گفته شد، عوامل و دلایل مختلفی باعث شد تا پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، از وزن رأی بیشتری برخوردار باشند و این موضوع باعث نوعی نابرابری در حقوق بین الملل می شود. علاوه بر این، همان طور که در بخش قبل گفته شد، قدرت های بزرگ نسبت به قوانین بین المللی و حقوق بین الملل نه تنها بی اعتنا هستند بلکه آنها را به راحتی زیر پا می گذارند که نمونه بارز آن بی توجهی به حکم دادگاه لاهه علیه رژیم صهیونیستی بود.

با توجه به عواملی که گفته شد جوامع بین المللی دربره های مختلف، نتوانستند واکنش جدی به جنایات آمریکا و رژیم صهیونیست نشان دهند؛ اما در چند ماهه اخیر کشورها و به خصوص کشورهای اسلامی، توانستند با ائتلاف و اعمال فشار بین المللی، شورای امنیت سازمان ملل را مجبور به پذیرش آتش بس موقت در جنگ

سوی جوامع بین المللی نیستیم. درواقع قدرت های بزرگ نسبت به قوانین بین المللی و حقوق بین الملل بی اعتنا هستند.

۴- حامیان رژیم صهیونیست، اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل:

شورای امنیت یکی از ارکان سازمان ملل است که تمامی قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل، باید توسط پنج عضو دائمی آن رأی مثبت دریافت کند؛ یا به عبارتی دیگر هیچیک از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل، نباید با قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل مخالفت داشته باشد، که در غیر این صورت آن قطعنامه به تصویب نمی رسد (حق وتو). آمریکا که یکی از این پنج عضو است، از حامیان اصلی رژیم صهیونیستی است و با استفاده از قدرت خود و سیاست هایش، یا کشورهای دیگر را مجاب به سکوت می کند و یا اینکه قطعنامه های مربوط به جنگ غزه را وتو می کند.

۵- نابرابری در حقوق بین الملل: معاهدات





## افغانستان در منظومه سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران

و سهیم شدن ایران در آب رودهای هیرمند و هریرود چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟ مسئله تروریسم و نگاه‌های مشترک دو کشور به این مسئله را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد. موضوع دیگر نیز توسعه‌ای است که می‌توان با تمرکز بر روی مناطق مشترک و مرزی برای دو کشور رقم زد. و در ادامه موضوع اخراج پناهندگان افغانستانی از پاکستان و سرریز آنها به ایران و تأثیر این اتفاق بر روی ایران نیز می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

در ادامه کار جناب آقای دکتر محمدرضا مجیدی، دبیر این نشست در رابطه با فلسفه وجودی این نشست مطالبی را بیان کردند.

در دو سال گذشته توجه به همسایگان و آسیا سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز مورد تأیید و تأکید

مباحث اساسی دیگری که وجود دارد این است که روابط ما با افغانستان تحت تأثیر مؤلفه‌های زیادی است که پیچیدگی زیادی دارد زیرا مباحث فرهنگی \_ تاریخی \_ سرزمینی \_ ادبی \_ فرصت‌ها و تهدیدات واحد و مشترک بین ایران و افغانستان مطرح می‌شود و به دلیل بی‌ثباتی‌هایی که از سال ۱۹۷۳ در افغانستان وجود دارد طبیعتاً تهدیداتی را برای ایران نیز به دنبال دارد. مداخلات نظامی و سیاسی در افغانستان را نیز می‌توان دلیلی بر این بی‌ثباتی‌ها دانست. سوالاتی که امروزه مطرح می‌شود این است که بی‌ثباتی‌های ناشی از روی کار آمدن دولت جدید چه روابطی را به ارمغان خواهد آورد؟ در رابطه با موضوعاتی از جمله مهاجرت شهروندان افغانستانی به ایران چه سیاست‌هایی در پیش گرفته خواهد شد و چگونه می‌توان آن را مدیریت کرد؟ در موضوعات مربوط به خشکسالی‌های اخیر ناشی از تغییرات اقلیمی و آب و هوایی

این نشست در تاریخ ۲۳ آبان ۱۴۰۲ به همت گروه پژوهشی افغانستان شناسی دانشگاه بیرجند، انجمن علمی و دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند و انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای شعبه خراسان جنوبی؛ و با حضور دکتر بهادر امینیان سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، دکتر محمد تقی جهانپخش کارشناس مسائل افغانستان و دکتر احمد بخشی مدیر گروه پژوهشی افغانستان دانشگاه بیرجند برگزار گردید.

در ابتدای نشست جناب آقای دکتر بخشی مقدماتی را بیان کردند. نکته اساسی که وجود دارد این است که ما در کشور افغانستان با موضوعات مختلفی مواجه هستیم که سیاست‌های همسایگی ایران و افغانستان یکی از این موضوعات کلی و گسترده است که در ذیل آن موضوعات و مباحث بسیاری مطرح می‌شود. یکی از

فراوانی قرار گرفته است. از طرفی در سلسله همایش‌های مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و از سوی دیگر در پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام که به عنوان عالی‌ترین نهاد مشورتی سیاست‌گذاری و هیئت عالی مستشاری - رهبری فعالیت دارد،

جمع‌بندی این شد که این موضوع در دستور کار قرار بگیرد و از برگزاری این نشست‌ها حمایت شود. بر همین اساس برگزاری این نشست‌ها و پیش‌نشست‌ها و همایش‌ها نه تنها در تهران بلکه در استان‌های مرزی نیز اتفاق افتاد.

در سطح ملی نیز دانشگاه‌های متعددی درگیر شدند و در حوزه‌های بین‌الملل نیز با اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر ارتباط برقرار شده است که هم از منطقه و هم از آسیا و حتی از سایر مناطق که افراد در این حوزه مطالعاتی دارند، حضور پیدا کنند. یکی از موضوعات بسیار مهم، حوزه شرق کشور و تحولات اخیر افغانستان و تأثیری که بر اهداف و منافع ملی ما می‌گذارد است که باید با رویکرد علمی و کارشناسی مورد بحث قرار گیرد و بین‌ساحت نظر و عمل پلی برقرار شود و از زوایای مختلف مورد بحث و کنکاش قرار بگیرد که در این نشست با حضور کارشناسان هم‌منظر آکادمیک و علمی و هم‌حوزه اجرایی را در کنار یکدیگر دنبال می‌کنیم. به امید آنکه این جلسات بتواند در حوزه سیاست‌گذاری راهگشا باشد. همچنین بحث ایران منطقه ای که در آینده در مجمع تشخیص مصلحت نظام طرح بحث خواهد شد، که باید در لایه‌های دو و چند جانبه و ابعاد و زوایای مختلف به طور ماتریسی مورد توجه قرار گیرد و در کنار تولید ادبیات و انتشار کتب و مقالات علمی، رهنامه‌ها و دستنامه‌های سیاستی برای حوزه سیاست‌گذاری تولید شده و از آنجا وارد سیاست‌های اجرایی، تقنینی و نظارتی شویم.

در ادامه نشست دکتر امینیان مباحث خودشان را ارائه دادند. ایشان در ابتدا مقدمه‌ای در مورد سیاست همسایگی با افغانستان بیان کرده و سپس در مورد خود افغانستان نکاتی را بیان کردند. خوشبختانه مدتی است که بحث سیاست همسایگی در اولویت قرار گرفته و امیدواریم که با توجه به منافع و اولویت‌هایی که این مسئله برای کشور فراهم می‌کند بتوان هرچه زودتر از حرف و شعارها عبور کرده و سیاست

همسایگی هم در عرصه سیاست خارجی و هم در راهبرد و سیاست ملی تحقق عینی و عملی بیشتری بگیرد و انعکاس گسترده‌ای پیدا کند. اصولاً همسایه یک واقعیتی است که ابعاد جغرافیایی - فرهنگی - تاریخی - تمدنی - اقتصادی و امنیتی برای هر کشور دارد و به خصوص جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف می‌تواند در این زمینه از این ظرفیت بالقوه و تأثیرگذار خود استفاده بیشتری بکند. ایران یکی از پر همسایه‌ترین کشورهای دنیا است و همینطور ایران در چند منطقه تأثیرگذار قرار گرفته این موضوع ناشی از ارتباط او با همسایگان است بنابراین بر این مناطق تأثیر می‌گذارد و از این مناطق تأثیراتی نیز می‌پذیرد و همه این موارد فرصت‌های استثنائی برای ایران به وجود می‌آورد. یک مسئله بسیار مهمی در همه همسایگان ایران وجود دارد که ایران در صورت سرمایه‌گذاری بر سیاست همسایگی، می‌تواند از این مسئله منفعت بسیاری ببرد و آن این است که کشورها در دوران گذار در نظام بین‌الملل هستند. در نظام بین‌المللی که در حال شکل‌گیری است، این مناطق هستند که حرف آخر را می‌زنند و مباحث در سطح مناطق تعیین می‌شود و این موضوع باعث می‌شود که کشورهایی که در مناطق حضور و نفوذ و قدرت دارند بتوانند بازیگری بیشتری بکنند، در حالی که در نظام بین‌المللی سابق (دوقطبی) مسائل در سطح قطب‌ها تعیین می‌شد. در نتیجه اگر ایران که در چند منطقه حضور دارد بتواند از این فرصت استفاده کند و تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد، می‌تواند نقش بین‌المللی و منطقه‌ای بیشتری داشته باشد. مسئله مهم دیگر این است که مناطق اطراف ایران به دلیل اینکه اغلب این مناطق محصول فروپاشی امپراتوری‌ها هستند، خلأهایی وجود دارد و آمریکا تلاش کرد این خلأها را پر کند مانند حضور آمریکا در افغانستان و عراق و همچنین نفوذ او در آسیای مرکزی و منطقه خلیج فارس (حضور مستقیم نظامی در منطقه خلیج فارس) و همچنین مباحثی که در منطقه قفقاز وجود دارد و سعی آمریکا بر این بود که پس از فروپاشی امپراتوری‌هایی مثل شوروی و انگلستان و عثمانی، بتواند مناطق تعیین تکلیف نشده این امپراطوری‌ها را در کنترل خودش بگیرد. تحولات دو سه سال اخیر باعث شد که آمریکا به پایان این سیاست‌ها برسد و این مناطق را ترک و تخلیه کند و عقب نشینی

انجام دهد که این تحولات تحت تأثیر نقش قدرت‌های منطقه‌ای صورت گرفت، بنابراین خلأ به وجود آمده در این مناطق فرصت خوبی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است. عامل بعدی که باید به آن اشاره شود این است که به دلیل اینکه ایران تحت تحریم‌های ظالمانه قرار دارد، سیاست همسایگی بسیار کمک می‌کند. با توجه به عواملی که گفته شد جمهوری اسلامی ایران باید بیشتر به سیاست همسایگی خود توجه کند. ایران با همسایگان خود مسائل و مباحث مشترکی دارد. مانند تهدیدات مشترک امنیتی - مسائل زیست محیطی - اشتراکات هویتی - مزیت‌های ترانزیتی و... در نتیجه این مسائل مشترک ما می‌توانیم ابعاد همکاری خود را با همسایگان افزایش داده و تقویت کنیم. جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای برخوردار است که این ظرفیت‌ها می‌تواند به ما کمک کند تا در تحقق بحث سیاست همسایگی پیش برویم. همچنین جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های متعددی که دارد می‌تواند به عنوان یک مرکز در بین همسایگانش، همسایگان را به یکدیگر متصل کند و هم فایده‌ای برای همسایگان خود تولید کند به طوری که همسایگان احساس کنند پیوند با ایران کاملاً در جهت منافع آنهاست. مزیت‌هایی از جمله مباحث ترانزیت، چاپهار و... و در نهایت این هم‌سرنوشتی و تعامل بسیار مؤثر است. جمهوری اسلامی ایران همچنین ظرفیت‌های گسترده دیگری به خصوص در بحث تکنولوژی دارد که در طول سال‌ها ما به دلیل تحریمات گسترده، تجارب گسترده‌ای کسب کردیم که چگونه روی پای خود بایستیم. این تجارب ظرفیت‌هایی را برای ما ایجاد می‌کند که می‌تواند به کشورهای دیگر هم کمک کند. همچنین ما در بین این کشورها از جمعیت گسترده‌ای برخورداریم و از این لحاظ نیز می‌توانیم ظرفیت‌های گسترده‌ای برای دیگر کشورها فراهم بکنیم. مسئله بعدی در بحث سیاست همسایگی این است که هرچه ما بتوانیم از لحاظ اقتصادی رابطه هم‌تکمیلی با همسایگان داشته باشیم، موجب توسعه سیاست همسایگی ما خواهد شد. در حال حاضر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که سیاست ما با افغانستان هم‌تکمیلی است.

زمانی که سیاست‌ها و اقتصادها مشابهت نداشته باشند اما یکدیگر را کامل کنند این دو کشور به هم پیوند می‌خورند. جمهوری

که ما به راحتی می‌توانیم این مباحث را به فرصت تبدیل کنیم. در داخل افغانستان زمینه‌هایی وجود دارد که ما باید آنها را مدیریت کنیم. جمع زیادی از مهاجرانی که در ایران هستند، ممکن است به خصوص از گروه‌های هزاره یا گروه‌های تاجیک باشند که به شدت دنبال این هستند که ایران رویکرد تندتری نسبت به طالبان داشته باشد، اما اگر ما یک سیاست ملی داشته باشیم، نباید کشور تحت تأثیر جریان‌هایی قرار بگیرد که تنها منافع و مسائل خودش را می‌بینند، اما در عین حال همان طور که مسئله آب جز اولویت‌های ماست، اشتراکات بین دو کشور نیز باید جز اولویت‌های ما باشد اما باید مراقب باشیم که سیاست خود را در هیچ کدام از این‌ها فرو نگاهیم

در افغانستان، مسئله ی آب که باعث ایجاد تنش بین دو کشور شد، مسئله مواد مخدر، مسئله فرهنگ ایرانی، بحث زبان فارسی، بحث تهدیدات داعش، بحث کشورهای خارجی که در افغانستان حضور دارند، بحث القاعده، بحث های بهداشتی، بحث ترانزیت و حمل و نقل، بحث چاپهار و مسائل اقتصادی از جمله مسائلی است که هر کدام نیاز به تلاش گسترده‌ای دارد. جمهوری اسلامی ایران راه دیگری ندارد به جز اینکه قضیه افغانستان را در اولویت اول خود قرار دهد و مسائل را به صورت ریشه‌ای حل کند. ما باید واقعیت را درک کرده و نذاریم که به تهدید علیه ما تبدیل شود بلکه باید با مدیریت آنها فرصت آفرینی کنیم. تحولات چند هفته اخیر نشان داد

اسلامی ایران باید بتواند از این طریق، یک به هم پیوستگی استراتژیک به وسیله ی سیاست همسایگی با همسایگانش فراهم کند و بدین ترتیب به سمت ایجاد نظم نوین منطقه‌ای پیش برود و یک وضعیت برد - برد برای همه همسایگان ایجاد کند و این مسئله علاوه بر برنامه‌ریزی در عرصه سیاست خارجی، نیازمند یک برنامه‌ریزی کامل و جامع در تمام عرصه‌ها است. ما نباید سیاست همسایگی را فقط در عرصه سیاست خارجی کشور مطرح کنیم. مسئله‌ای که در قضیه افغانستان وجود دارد این است که به علت فرصت‌های فوق العاده‌ای که در این منطقه وجود دارد، ظرفیت‌های ملی باید برای بهره‌گیری از این فرصت‌ها بسیج شود. متأسفانه ما همسایگان خود را عمدتاً در عرصه امنیتی محدود کردیم؛ اما مسئله سیاست همسایگی باید از عرصه سیاست خارجی نیز عبور کند و باید به مسئله ملی کشور تبدیل شود. مسئله‌ای که در این رابطه و در قضیه افغانستان مهم است این است که افغانستان یک فرصت استثنائی برای ماست. در قضیه افغانستان ما با شرایطی روبرو هستیم که بعد از خروج آمریکایی‌ها از این منطقه، طالبان بر روی کار آمده که ممکن است طالبان از دیدگاه ما کمال مطلوب نباشد. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها با این هدف افغانستان را ترک کردند که طالبان با ایران درگیر شود و برای این مورد سرمایه‌گذاری‌هایی نیز انجام شده؛ اما در طول دو سال گذشته تمام دغدغه ایران این بود که این مسئله را مدیریت کند و آن را به تهدید تبدیل نکند و به نظر می‌رسد که ایران در این مسئله موفق بوده و ایران توانسته این شرایط سخت را پشت سر بگذارد. زمانی که طالبان بر روی کار آمد، برخی نگاه‌ها نسبت به طالبان منفی بود و هراس و بیم گسترده‌ای نسبت به طالبان در ایران وجود داشت و حتی شیعیان در افغانستان به شدت در هراس بودند از جمله مجاهدین افغانستان، دولتمردان دولت قبل و اقوامی که احساس خطر می‌کردند مانند تاجیک‌ها. به نظر می‌رسد که ما باید با نگاه واقع بینانه بحث افغانستان را تحلیل کنیم و بدانیم که یک سری فرصت‌ها وجود دارد که باید در آنها سرمایه‌گذاری شود. ما در حوزه افغانستان با ۱۵ یا ۱۶ مسئله مواجه هستیم که ۸ میلیون از اتباع مهاجرین فقط گوشه‌ای از مسائل ما در افغانستان است. مرز ۹۴۰ کیلومتری ما، بحث شیعیان ساکن

**دانشگاه بیرجند با همکاری گروه پژوهشی افغانستان شناسی این دانشگاه، انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (شعبه خراسان جنوبی) و انجمن علمی و دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند برگزار می‌کند:**

**پیش نشست دهم همایش بین‌المللی سیاست آسیایی و همسایگی جمهوری اسلامی ایران با عنوان:**

**سخنران:**

- دکتر احمد بخشی** - مدیر گروه پژوهشی افغانستان، دانشگاه بیرجند
- دکتر محمدتقی جهانبخش** - کارشناس مسائل افغانستان
- دکتر بهادر امینیان** - سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در افغانستان

**تاریخ:** سه شنبه ۱۴۰۲/۸/۲۳ **ساعت:** ۱۲:۰۰ الی ۱۴:۰۰ **پیوند شرکت در پیش نشست:** [http://BYn.ir/asanp\\_iran](http://BYn.ir/asanp_iran)

**نشانی درگاه‌های همایش:** [http://zil.link/asanp\\_iran](http://zil.link/asanp_iran)

**حمایت کنندگان:** [Logos of various academic and governmental organizations]

تنها از طریق افغانستان امکان‌پذیر است و از طرف دیگر چین نیز می‌خواهد در این قضیه سرمایه‌گذاری کند. متأسفانه تمام دستگاه‌های ما بحث اقتصادی را به بحث تجاری فرو می‌کاهند، بلکه باید از بحث تجاری فراتر رفت و باید نهادهایی از جمله وزارت کشاورزی، وزارت نیرو و وزارت صمت نیز فعال شوند. در بحث فرهنگی، بعد از دو دهه حضور آمریکایی‌ها هنوز ۷۰ درصد از زنان افغانستان بی‌سواد هستند؛ البته این‌ها همه در صورتی می‌تواند تحقق پیدا کند که طالبان سیاست‌های اجتماعی خود را نسبت به زن‌ها و شیعیان تغییر دهد که این مورد تنها با تعامل با طالبان و افغانستان امکان‌پذیر است. همچنین گزارش‌های تهیه شده توسط وزارت بهداشت، از تهدیدات بزرگ بهداشتی حکایت دارد، به طوری که بیماری‌های بزرگی از جمله فلج اطفال، مالاریا، سل و... می‌تواند از افغانستان وارد ایران شده و حیات و بهداشت ایران را به خطر انداخته و بحران‌هایی را ایجاد کند. در نهایت جمهوری اسلامی ایران باید با برنامه‌ریزی دراز مدت و با بسیج تمام توانمندی‌ها و پای کار آمدن تمام نهادها در سیاست همسایگی این مسائل را حل کرده و باید سیاست همسایگی از حرف و شعار عبور کرده و در عمل تجلی یابد و تبدیل به سیاست عملی کشور در تمام حوزه‌ها شود و از این طریق می‌توانیم تغییرات و تحولات

افغانستان تأمین کنیم، یک انقلاب و تحولی را در افغانستان ایجاد خواهیم کرد و از طریق ایجاد اشتغال در این زمینه می‌توانیم مهاجرت را نیز کنترل کرده و تولید ثروت کنیم و حتی بخشی از منافع اقتصادی خود را نیز به دست آوریم. علاوه بر این‌ها میزان بهره‌گیری ما از معادن افغانستان تقریباً نزدیک به صفر بوده است؛ البته سیاست حاکم نیز این اجازه را به ما نمی‌داده است. حتی به نظر می‌رسد که طالبان نیز در این مسئله با ملاحظه با ما برخورد کرده است، ولی ما باید این مسئله را حل کنیم. طالبان باید بدانند که پیوند او با ما وجود این ملاحظاتی که دارد به نتیجه نخواهد رسید و به نظر می‌رسد که سیاست جمهوری اسلامی ایران این را برای طالبان پیش می‌برد. تنها کفایت ما بخشی از منابع ارزشمند داخل افغانستان را فعال کنیم که نتیجه آن تولید منبع ثروت و ایجاد اشتغال برای مردم افغانستان خواهد بود و در نتیجه آن مهاجرین به کشورشان برمی‌گردند و در سطح کلان پیوند بین دو کشور ایجاد خواهد شد. در قضیه ترانزیت، ترانزیت افغانستان از طریق ایران و چابهار می‌تواند باعث تحرک در مناطق چابهار و سیستان و بلوچستان شود و ایران نیز می‌تواند از طریق افغانستان به آسیای مرکزی و حتی چین وصل شود که این موضوع باید برای ایران یک بحث راهبردی بزرگ باشد و این فرصتی است که

و اجازه ندهیم که هیچ کدام از این‌ها همه سیاست جامع ما را در افغانستان در کنترل خودش قرار بگیرد و تحت تأثیر خودش قرار دهد. به همین دلیل ما باید یک سیاست کلان داشته باشیم که بهترین سیاست، سیاست همسایگی به معنای پیوستگی راهبردی در دو کشور است. این به هم پیوستگی راهبردی یک سری ملزومات باید داشته باشد که اگر ما آنها را انجام دهیم، در مسائل مختلف می‌توانیم موفق باشیم. الزامات این به هم پیوستگی این است که دو کشور برای هم مفید باشند، دو کشور به هم وابسته و هم اتکا باشند. این هم وابستگی و هم اتکایی در مباحثی از جمله نیاز افغانستان به حمل و نقل و ترانزیت و نیاز او به استفاده از چابهار و گسترش راه‌ها و راه آهن در افغانستان می‌تواند تحقق یابد.

همچنین در بحث کشاورزی افغانستان که ۶۰ درصد مردم افغانستان به آن وابسته هستند، ما باید در راستای کشاورزی کار و ثروت ایجاد کنیم که متأسفانه تاکنون انجام نداده‌ایم و این مورد خطای بزرگ راهبردی ما بوده است که اگر بتوانیم در این زمینه سرمایه‌گذاری کنیم یک فرصت استثنایی را به دست می‌آوریم به طوری که می‌توانیم بخشی از واردات سالانه نهادهای دامی و محصولات کشاورزی خود را که میزان آن ۸ میلیارد دلار است از افغانستان تأمین کنیم. اگر تنها ۲۰ درصد از آنها را به وسیله





بر مؤلفه‌های فرهنگی و روابط انسانی تأکید می‌کند، بنابراین کشوری که مبتکر این سیاست است، نیازمند یک فرهنگ اعطاگر و مدارا محور است. فقدان سابقه تجاوزگری در گذشته به پیرامون هم یکی از این لوازم است. کشورها زمانی ما را به عنوان همسایه قبول می‌کنند و زمانی این سیاست را از ما می‌پذیرد که سوء پیشینه و سوءظنی نسبت به ما نباشد. طبیعتاً کشورهایی که در پیشینه خود رفتارهای ناپهناجر در قبال همسایگان داشتند، مورد قبول همسایگان خود نخواهند بود. همچنین ائتلاف میان نخبگان و استفاده از نظرات آنها نیز ضرورتی برای اتخاذ سیاست همسایگی است. کسانی که ادبیات همسایگی را پرورش دادند یک سری پیشنهادات برای کشورهایی که مبتکر این سیاست هستند ارائه کردند. یکی از این پیشنهادات این است که سیاست سخت و قدرت طلبانه نباید از سوی بانیان ابتکار همسایگی اتخاذ شود. در سیاست همسایگی، کشورهایی که دنبال این هستند که سیادت خودشان را بر منطقه اثبات کنند و نشان دهند، کار سختی در اتخاذ سیاست همسایگی دارند. اگر چنین تلقی در کشورهای پیرامون به وجود آمد، زمانی که ما بخواهیم کار اقتصادی و تجاری انجام

حال تحول و گذار است. با توجه به اینکه موضوع همسایگی در داخل و خارج ادبیات قابل توجهی ندارد، به همین جهت اتخاذ این سیاست علاوه بر اینکه می‌تواند در حوزه اجرا کمک کند در حوزه دانشگاهی نیز می‌تواند به تولید ادبیات آن کمک کند و باعث کار جدی علمی در این حوزه شود. مسئله دیگری که ذیل این بخش مطرح می‌شود، اقتضائاتی است که این سیاست همسایگی به صورت کلی دارد (اقتضائات عمومی اتخاذ سیاست همسایگی). یکی از این اقتضائات و الزامات این است که کشور مبتکر سیاست همسایگی، باید مرجعیت فرهنگی و ظرفیت فکری و انسانی بالا داشته باشد تا از قدرت اثرگذاری بالایی برخوردار باشد. با توجه به این موضوع سیاست همسایگی سیاستی نیست که همه کشورها بتوانند اتخاذ کنند بلکه این سیاست به چند کشوری که در این موضوع غنی هستند محصور و محدود می‌شود که جمهوری اسلامی ایران نیز جز این کشورهاست. یکی دیگر از این لوازم این است که ما به مسئله فرهنگ و مسئله روابط انسانی توجه ویژه‌ای کنیم. برخلاف هژمون گرایی که یکی از رویکردهایی است که از جریان اصلی واقع گرایی نشئت می‌گیرد، سیاست همسایگی

عمده‌ای را در داخل افغانستان ایجاد کنیم و بر حیات سیاسی و اجتماعی افغانستان تاثیر بگذاریم و به نظر می‌رسد این اراده در داخل افغانستان نیز وجود دارد.

در ادامه نشست جناب آقای دکتر جهانبخش نکاتی را بیان کردند. ایشان در دو بخش مطالب خود را بیان کردند که یک بخش آن در رابطه با امکان و امتناع سیاست همسایگی در جمهوری اسلامی ایران و بخش دیگر آن در رابطه با انتظارات سیاست همسایگی در تعامل با افغانستان بود.

در ابتدای بحث باید بدانیم که مسئله همسایه بودن یک مسئله جغرافیایی است و همسایگی یک مرحله متفاوت و بالاتر از همسایه بودن است و اصل سیاست همسایگی مقدمه‌ای برای منطقه گرایی است که امروزه در دنیا و در روابط بین‌الملل یک بحث جدی است. داشتن منطقه قوی یک ضرورت برای ما است و منطقه قوی یک منطقه‌ای است که در آن روابط مسالمت آمیز وجود دارد و شرایط آرامی بر آن حاکم است و تنش‌ها در حداقل خود قرار دارد. چنین منطقه‌ای یک ضرورت برای رشد و پیشرفت کردن در نظام بین‌الملل در

دهیم با واکنش کشور هدف مواجه خواهیم شد، یعنی کشور مقابل حضور اقتصادی ما را به تجاوز، استعمار، سرمایه‌گذاری، هجوم اقتصادی و... تعبیر می‌کند. نکته دیگر این است که عمق استراتژیک، عمق دوستی میان رعیت‌هاست و با این دیدگاه می‌توان سیاست همسایگی را عملی کرد. کشوری که مبتکر سیاست همسایگی است باید آمادگی سیاسی و اجتماعی برای شناسایی و ستایش ارزش‌های همسایگان را داشته باشد که یک مسئله فرهنگی است، یعنی افراد با آدم‌ها باید چنین ویژگی‌هایی را داشته باشند و نمی‌شود که ما با وجود دعوای فرهنگی، نادیده گرفتن ارزش‌های همسایه، مبارزه و معارضه با اشتراکات احتمالی بین دو کشور، انتظار یک سیاست همسایگی را داشته باشیم. نکته بعدی این است که امکان بازیگری بازیگران غیر رسمی (مردم و سمن‌ها) در روابط کشورهای مبتکر و کشورهای هدف فراهم و تسریع شود. ما ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی فراوانی داریم که بسیاری از این‌ها با کشورهای همسایه مشترک است. علاوه بر این ظرفیت‌های فوق‌العاده انسانی داریم که می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. همچنین فضای بسیار خوبی برای تعاملات مردم با مردم نیز وجود دارد که باید به آنها توجه شود اما با تمام این موارد باز هم نقصان و کاسی‌هایی را داریم. ما چه خواهیم و چه نخواهیم، نزدیک به دو دهه است که پشتون‌ها در افغانستان قدرت را به دست دارند. پشتون‌یسم و پشتون‌گرایی مسئله مهمی است که در بین پشتون‌ها است و ما متأسفانه نسبت به این مسئله بی‌توجه بودیم. امروزه ما حتی یک متخصص زبان پشتون که بتواند در این حوزه کار تخصصی و جدی انجام دهد را نداریم. همچنین با فرهنگ پشتون و پشتون‌گرایی آشنایی


نداریم و عقاید و ساختارهای قبیله‌ای آنها را نمی‌شناسیم.

در سطح سیاسی نیز با وجود اقدامات انجام شده، ارتباطات اندکی وجود دارد که شکننده است. طبیعی است که در چنین فضا و شرایطی وقتی بخواهیم مرجعیت فرهنگی خود را پیاده کرده و گسترش دهیم و یا روابط را توسعه دهیم با یک سد محکم مواجه می‌شویم که بخش قابل توجهی از جمعیت کشور هدف (افغانستان) را شامل می‌شود. ما در افغانستان هژمونی‌گرایی نکرده‌ایم اما به مبادی کم توجه بودیم. مردم ما در نظام جمهوری اسلامی ایران چندین دهه است که با شهروندان افغانستانی زندگی نزدیکی دارند، اما شناخت آنها از فرهنگ مردم و ارزش‌های افغانستان اندک است و این مشکل در بین دانشگاهیان و مقامات ما نیز دیده می‌شود. ما از ظرفیت‌های مردمی در حوزه‌های مختلف استفاده خیلی کمی بردیم که بیشتر در زمینه اقتصادی و تجاری بوده است. در سطح خارجی ما نیاز داریم به اینکه تلقی برادر بزرگتر را در نخبگان افغانستان از بین ببریم و این کار یک کار فکری و آکادمیک است که باید به آن توجه شود. علاوه بر این باید با انجام کار فرهنگی تصویر افغانستان و شهروندان افغانستانی را در افکار عمومی ایرانیان اصلاح کنیم؛ زیرا باید به وضعیتی برسیم که در آن برابری و برادری است تا زمینه‌ها و ملزومات و اقتضائات برای تحقق سیاست همسایگی فراهم شود. همچنین ارزش‌ها و توانمندی‌های همسایگان باید معرفی شود تا تعامل میان بازیگران فرودولتی تسریع و گسترش یابد؛ البته این تعاملات در حوزه تجارت وجود دارد. به عنوان مثال ما در سال‌های گذشته و در شرایط تحریمی و دشواری که داشتیم، با ۳ میلیارد دلار

شریک اول تجاری افغانستان بودیم و تجار دو طرف با پیوندهایی که با یکدیگر داشتند، تحریم‌های بانکی و مشکلات انتقال پول را حل می‌کردند. چنین پیوندهایی باید بین مردم در صنوف و در اقشار مختلف شکل بگیرد. یکی از عرصه‌هایی که در گذشته بوده و امروزه کمتر شده است، ارتباط بین فرهنگیان است به طوری که بسیاری از شاعران ما مانند سهراب سپهری که ماه‌ها در کابل زندگی کرد، در افغانستان بودند و بسیاری از شهروندان افغانستانی نیز در ایران سکونت داشتند که موجب ارتباطات و تعاملات سازنده بین دو کشور می‌شد. همچنین سمن‌های ما می‌توانند در حوزه‌های مختلف با همکاری یکدیگر، اقدامات مهمی انجام دهند. ما باید به این الزامات و اقتضائات توجه کنیم که در غیر این صورت سیاست همسایگی ما در افغانستان به سختی پیش خواهد رفت. واقعیت این است که دشواری‌هایی در برابر گسترش روابط ایران و افغانستان وجود دارد. در نتیجه موفقیت سیاست همسایگی نیاز به کار جدی و همه‌جانبه دارد و فراتر از وزارت خارجه است. سیاست همسایگی یک مسئله‌ای است که ماهیت فرهنگی و انسانی دارد و ابجادی از آن در حوزه سیاست خارجی است. اتفاق مهمی که باید بیفتد، تسهیل تعاملات فرودولتی است و ما اگر اقتضائاتی که بیان شد مورد توجه قرار ندهیم، پیشبرد سیاست دشوار خواهد شد. آن چیزی که نهایتاً مانع پیشرفت‌ها در روابط دوجانبه ماست، مسائل فرهنگی است و از این جهت همه نهادها و نهادهای فرهنگی باید برای پیشبرد سیاست همسایگی تلاش کنند و امکاناتشان را بسیج کنند و این مسئله نیازمند یک عزم ملی است.



# سپر سیاست

قله دماوند 



majid behjati

سیهر سیاست | شماره ۱۷  
انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

فصلنامه علمی-پژوهشی  
سیاست و حکومت  
دانشگاه بیرجند



انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند